



سوره بقره آیه ۱۵۲

بر اساس تفسیر موضوعی

## سپاس هر نعمت

# بهره برداری صحیح از آن است

اذکرونی اذکرکم واشکروالی ولا تکفرون

مرا یاد کنید ، تا شمارا یاری کنم ، شکر نعمت مرا به جا آورید و کفران نعمت مکنید .

مفاهیم اخلاقی از نظر تحدید منطقی  
 از ظرافت خاصی برخوردار است آشنائی با  
 خصوصیات یک فضیلت اخلاقی چندان سهل  
 و آسان نیست ، چه بسا ممکن است که فضیلت  
 والائی را با ردیله مقابل اشتباه کنیم و مرز هر دو  
 را تشخیص ندهیم ، از این جهت تحدید این  
 نوع از مفاهیم ، هوشیاری خاصی لازم دارد که  
 انسان از این نوع لغزشها مصون بماند ، از  
 باب نمونه ؛  
 شکی نیست که شجاعت در برابر  
 تهور و بی باکی یکی از فضایل اخلاقی است که

مایه تکامل انسان در ابعاد مختلف می باشد  
 اما فاصله آن با صفت متقابل خود ، بسیار  
 ظریف و باریک است و گاهی این دو بهم مشتبه  
 می شوند و انسان به زحمت می تواند مرز این  
 دو را از هم تمیز دهد .  
 در مورد بحث ، تشکر و سپاس از  
 فضایل اخلاقی است و در مقابل آن ، تعلق و  
 چاپلوسی از ردایل اخلاقی به شمار می رود و  
 فاصله این دو به اندازه ای دقیق است که  
 دست یابی به تحدید واقعی آن دو ، به آسانی  
 صورت نمی پذیرد .

## بمفازه من العذاب ولهم عذاب الیم

(آل عمران آیه ۱۸۸)

آنان را که به کارهای زشت خود خوشحالند، و دوست دارند که مردم آنها را با کارهای خوبی که هرگز انجام ندادند ستایش کنند - این گروه را - نجات یافته از عذاب میندار برای آنان عذاب دردناکی هست .  
در طول تاریخ تمام طاغوت‌های زمان شاهنشاهان دوران، القاب زیادی را با خود یدک می‌کشیدند، و همگی خود را عدالت‌گستر و رعیت پرور و احمیانا کلب آستان امامان نیز هرفی میکردند، و برخی سرابندگان و نویسندگان متملق و احمیانا گویندگان چاپلوس بر القاب آسمانی آنها صحنه می‌گذاشتند، ولی چیزی که در بساط زندگی آنان وجود نداشت مسالسه عدالت و رعیت پروری بود. پیامبر گرامی درباره این شناختان و چاپلوسان فرمود:  
اخثوا التراب فی وجوه المداحین  
خاک بر صورت مداحان بی شخصیت و چاپلوسان دروغ آفرین بپاشید .

### تجسم شکر در لباس عمل

اگر معرفت نعمت و شناخت قلبی از مقام و موقعیت کارنیک و مرد نیکوکار، درجه‌ای از سپاس حساب می‌شود، اگر اعتراف به مقام و موقعیت نعمت و منعم، درجه دوم - می‌شود از سپاس به‌شمار می‌رود، بهره‌گیری از نعمت در طریق مشروعی که برای آن آفریده شده و

روشن‌ترین تفاوت میان این دو این

است که هرگاه تمجید، در حدود شایستگی طرف باشد، توصیف ما رنگ سپاس به خود می‌گیرد و اگر از حدود شایستگی طرف بیرون باشد، چنین تمجیدی تملق و چاپلوسی محسوب می‌شود .

امیر مومن در یکی از سخنان خود به چنین تفاوت اشاره می‌کند و می‌فرماید

الثناء باكثر من الاستحقاق ملق و التقصیر عن الاستحقاق عی او حسد ا

تعریف فردی بیش از شایستگی تملق و چاپلوسی است و کوتاهی از آن نشانه ناتوانی در بیان و با حسدورزی است .

بنابراین باید سپاس را از چاپلوسی و شکر را از تملق بازشناسیم و از دومی بسه شدت بهره‌بیم که از شناختی‌های بی‌محتوا که مورد علاقه مستکبران و طاغوت‌های زمان است دوری جوئیم .

سپه دلان و تهریختانی که در زندگی خود مبداء کارهای زشت بودند و پیوسته چاپلوسان بی‌شخصیت را دور خود گسرد می‌آوردند که شناختان و دعاگویان آنان باشند تا بر زشت کاری‌های آنان پرده بپوشند مورد نفرت قرآن است و درباره آنان می‌فرماید

لاتحسبن الذین یفرحون بما اوتوا و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلاتحسبنهم

رضای منعم نیز در آن نهفته است ، مجسم ساختن آن شناخت قلبی و اعتراف زبانی ، در قالب عمل است . و این یکی از درجات بسیار مهم سیاس است که از آن غفلت میشود . اگر برخی سیاس را با جمله **الثناء علی الجمیل الاختیاری** تجمید زبانی برکار نیکی که فردی باکمال حریت و آزادی انجام داده است یا با جمله های قریب به این مضمون تفسیر فرموده اند ، در حقیقت به یک درجه از درجات سیاس اشاره کرده اند در حالی که شکر نه منحصر به شناخت قلبی و نه منحصر به اعتراف زبان است .

اگر بیا میر گرامی فرمود **لیتخذ احدکم لسانا ذاکرا و قلبا شاکرا** <sup>۲</sup> هر یک از شما هازبان سیاس گزار و قلب شاکر داشته باشد ، هدف بیان درجاتی از مراتب سیاس است در حالی که برای سیاس درجه سومی وجود دارد ، که حقیقت سیاس وسیله آن مجسم می گردد و آن را دانشمندان چنین تعریف می کنند ،

**صرف النعمه فی محلها** هر نعمت در محل مناسب خود مصرف کنید .

در حقیقت تو گوئی ، واقعیت سیاس و تشکر از فرد نیکوکار همین است و بس . و مراحل قلبی صیغه شکر و سیاس می باشد و واقعیت و بزرگترین کفران نعمت این است که انسان از نعمت های خداوند بهره ای نگیرد ، و با آن را در موارد نامشروع به کار ببرد . و قرآن

۲- المحجۃ البیضا ج ۷ ص ۱۴۳

باین مرحله از شکر در آیاتی اشاره می کند و میفرماید

**والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا وجعل لکم السمع والابصار والافئده لعلکم تشکرون** ( نحل آیه ۷۸ )

خداوند شما را از شکم های مادرانتان بیرون آورد در حالیکه چیزی نمی دانستید ، به شما چشم و گوش و قلب عطا فرمود تا مگر سیاس گزار باشید .

مقصود از سیاس این گونه از نعمت ها این است که چشم و گوش خود را باز کنیم و در آسمان و زمین به مطالعه و تفکر ، مطالعه و بررسی بپردازیم و از اسرار و رازهای نهفته در آنها ، آگاه گردیم و از شناخت خود طبیعت راه مهار و بهره برداری صحیح را از آن بیاموزیم و در زندگی قوی و نیرومند شویم آنگاه از شناخت آن که آیت و نشانه پدید آورنده آن است ، به شناخت خدا ( ذی الابه ) پی ببریم .

نحوه سیاس این سه نعمت بزرگ ( گوش ، چشم و دل ) در آیه های یاد شده در زیر بیان شده است چنانکه می فرماید

**قل انظروا ماذا فی السموات والارض** ( یونس ۱۰۱ )

بگو ، چشم باز کنید ببینید که در آسمان و زمین چه چیزهایی است .

**و یتفکرون فی خلق السموات والارض** ( آل عمران ۱۹۱ )

آنان در آفرینش آسمان ها و زمین به

تفکر و اندیشه می پردازند و درآیه دیگری  
میفرماید اولم یبتفکروا فی انفسهم ( روم ۸ )  
آنها در آفرینش خود فکر نمی کنند .

در نهج البلاغه اشاراتی به این نوع  
از سپاس هست آنجا که میفرماید لولم یتوعد  
الله علی معصيته لکان یجب ان لا یعمی شکرا  
لنعمته ( کلمات قصار شماره ۲۹۰ ) هرگاه  
خداوند بر مخالفت او امر خود وعده عذاب  
نداده بود شایسته بود که به خاطر اداء سپاس  
گناهی انجام نگیرد .

هر عصبیتی که از بندگان خدا سر میزند  
جز این نیست که نعمت هایی در غیر مورد  
واقعی بکار می رود و از این طریق کفران آن  
نعمت فراهم می آید . امیر مومنان به این درجه  
از سپاس اشاره می کند و می فرماید شکر کل  
نعمه الوریع عما خرم الله <sup>۳</sup> سپاس هر نعمت  
این است که از حرامهای خداوند پرهیز شود  
( و هر نعمت در محل خود به کار رود )

### سپاس و فزونی نعمت

قرآن میان سپاسگزاری و افزایش نعمت  
نعمت رابطه ناگسستگی قائل است و یادآور  
می شود که سپاس نعمت ، مایه فزونی آن است  
چنانکه میفرماید

و اذ تاذن ربک لئن شکرتم لازیدنکم  
و لئن کفرتم ان عذابی لشدید

( ابراهیم آیه ۷ ) هنگامی که خداوند

اعلام نمود که اگر سپاسگزار باشید ، بر نعمت  
شما می افزایم و اگر کفران نعمت کنید عذاب  
من شدید است .

و در آیه دیگر به این مطلب اشاره  
می کند و میفرماید و من شکر فانما یشکر لنفسه  
( سوره نمل آیه ۴۰ ) هر کس سپاس گزار باشد  
نتیجه آن عاید خود او می گردد . این آیات  
حاکی است که میان این دو ، روابط محکمی  
برقرار است اکنون باید علت این رابطه را  
بدست آورد .

رابطه میان سپاس و فزونی نعمت در  
صورتی روشن می گردد که بدانیم معنی سپاس  
در برابر نعمت های خدا ، غیر از معنی سپاس  
در برابر کارهای نیک بندگان خدا است .

سپاس در برابر نعمت های خدا ، به  
معنی تشویق ، و تقدیر از خدا نیست ، زیرا  
تشویق که ملازم با انفعال روحی است ، در  
ساخت خدا متصور نیست ، و بنده خدا کمتر از  
آن است که از خدا ، تقدیر کند ، بلکه  
بندگان خدا با سپاس خود ، لیاقت و شایستگی  
خود را نسبت به نعمتی که خدا در اختیار آنها  
نهاده است ثابت می کنند ، و افراد لایق و  
شایسته ، پیوسته مستحق دوام فیض خواهند  
بود و در برابر این گروه ، افراد غیر لایق  
و ناشایسته است که حتی نعمتی را که در اختیار  
دارند برای آنان اضافی است تا چه رسد به  
فزونی نعمت .

آری نتیجه سپاس در برابر افراد نیکوکار  
تشویق به ادامه کاری خداپسندانانه است

بسان درختی که با میوه دادن خود باغبان را به خدمت بیشتر دعوت می‌کند، و عزم او را راسختر می‌سازد.

و در هر حال خواه نتیجه سیاس اثبات لیاقت و شایستگی باشد یا تشویق و تقدیر میان سپاسگزاری و فزونی نعمت کاملاً رابطه منطقی موجود است

مولوی در این زمینه می‌گوید

شکر نعمت نعمت افزون کند

کفر نعمت از کفایت بیرون کند

امام صادق (ع) در تبیین این رابطه

منطقی می‌فرماید

من اعطی الشکر اعطی الزیاده<sup>۴</sup> به

هر کس توفیق سپاس داده شده، فزونی نعمت نیز او داده شده است.

در پایان نکاتی را یادآور می‌شویم

۱- یکی از صفات بندگان خدا این

است که در برخورد با هر نعمت جدیدی

(هر چند در تمام لحظات، غرق در نعمت‌های

جدید است) زبان به سپاس خدا بگشاید،

سپاسی که حاکی از خضوع و عرفان قلبی

نسبت به خدای بخشاینده نعمت.

به عنوان نمونه - قرآن یادآور میشود

که در موقع بهره از وسائل نقلیه مانند کشتی

و چهارپایان بگوئیم

" ثم تذکروا نعمت ربکم اذا استویتم

علیه و تقولوا سبحان الذی سخر لنا هذا وما كنا

له مقرنین ( زخرف آیه-۱۳)

نعمت های خدایا متذکر شوید آنگاه

که بر روی آنها قرار گرفتید بگوئید، منزه

است خدایی که آنها را برای ما مسخر گردانید

و بر آن قادر نبودیم . .

و نمونه این آیات در قرآن فراوان

است .

۲- هر نوع حرکت و فعالیت، وسکون

و توقف می‌تواند، مظهر سپاس و با کفران

نعمت باشد، اگر انجام واجبات و مستحبات

مایه سپاس باشد، انجام محرمات و حتی

مکروهات در مکتب سالکان و پویندگان راه حق

نمونه پائین از کفران نعمت است، هر چند

مواخذه‌ای بر آن مترتب نیست.

۳- حق سپاس به صورت کامل برای

احدی مقدور نیست زیرا انجام سپاس نسبت

به هر نعمتی به وسیله نعمت جداگانه‌ای انجام

می‌گیرد که خود نیز سخن سپاس و تشکر است.

و در روایات اسلامی به این مطالب تصریح

شده است.

